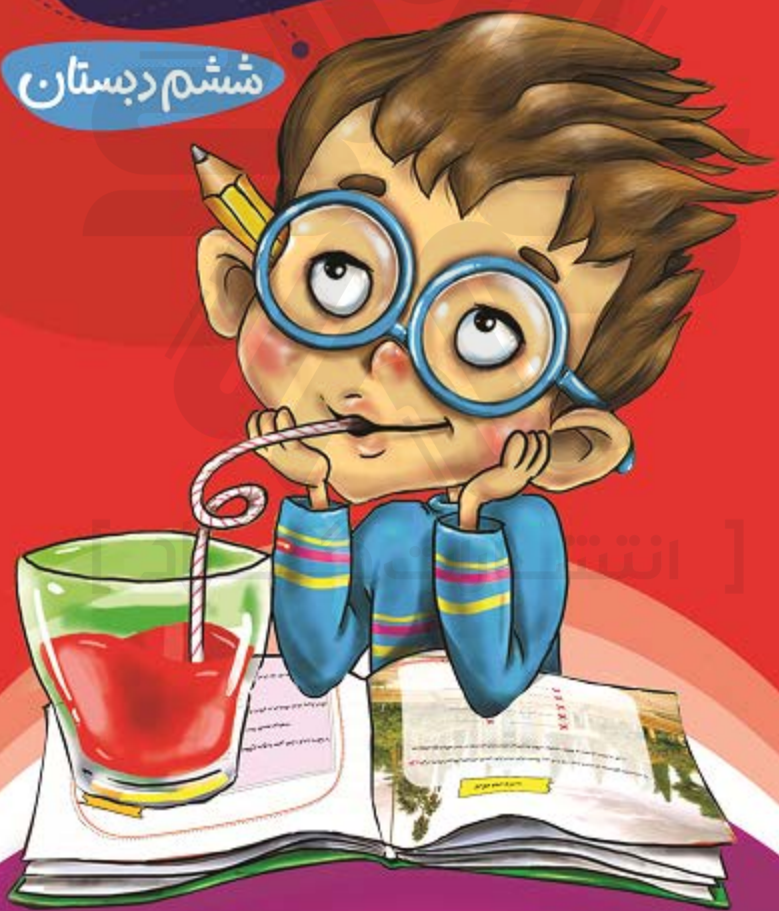


کتاب جامع فارسی

ششم دبستان



به نام خدا

کتاب جامع فارسی ششم ابتدایی



مؤلفان:

الهام ربانی


علیرضا قادری

بنیامین دولت آبادی



[انتشارات گراد]

هر گونه کپی برداری کلی و جزئی از این مجموعه به لحاظ شرعی و قانونی ممنوع می باشد.

 grad_press

 grad_press

 www.gradpress.ir

مقدمه

کتاب فارسی با هدف ارتقای مهارت های خوانداری، نوشتاری، شنیداری و گفتاری می تواند زیربنای محکمی برای پیشبرد اهداف آموزشی باشد.

مهارت خواندن و نوشتن از نیازهای ویژه ای است که دانش آموز را می تواند به اهداف دیگر او در آموزش و پرورش هدایت کند.

هر چه دانش آموز در مهارت خواندن، نوشتن، تحلیل و بررسی مهارت ارتباطی توانا تر باشد، قدرت ابراز وجود و اعتماد به نفس او در میان سایر دانش آموزان و جامعه ی امروزی بیشتر خواهد شد.

کتاب حاضر با در نظر گرفتن مهارت های خوانداری و نوشتاری دانش آموز، سایر مهارت های وی مانند گفتاری و شنیداری را نیز ارتقا می دهد تا دانش آموز با موفقیت بهتری به اهداف خود در یادگیری زبان و ادبیات فارسی برسد. در تدوین این کتاب سعی کرده ایم با ارائه ی مطالب متنوع شامل واژه نامه، درسنامه، پرسش های تکمیلی و سئوالات چهار گزینه ای، زمینه ی یادگیری را برای دانش آموزان بهتر فراهم کنیم.

ضمن تشکر از تمامی عزیزانی که در گردآوری این کتاب ما را یاری نموده اند؛ این اثر را به تمام دوست داران دانش و تلاشگران این عرصه تقدیم می کنیم.

نظر، انتقاد و پیشنهاد شما مایه ی پیشرفت ماست. پل ارتباطی ما با شما www.gradpress.ir

هیات علمی گروه آموزشی گراد



فهرست

فصل (۱) آفرینش

۴	معرفت آفریدگار	درس اول
۱۱	پنجره های شناخت	درس دوم
۱۹		آزمونک ۱

فصل (۲) دانایی و هوشیاری

۲۱	هوشیاری	درس سوم
۲۷	داستان من و شما	درس چهارم
۳۴	هفت خان رستم	درس پنجم
۴۱		آزمونک ۲

فصل (۳) ایران من

۴۳	ای وطن	درس ششم
۵۱	آزاد (۱)	درس هفتم
۵۵	دریاقلی	درس هشتم
۶۱		آزمونک ۳

فصل (۴) نام آوران

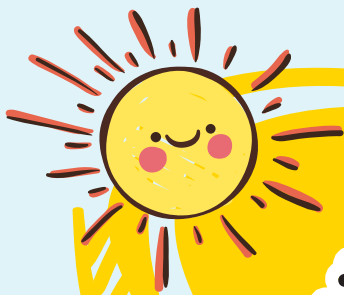
۶۳	رنج هایی کشیده ام که مپرس	درس نهم
۷۲	عطار و جلال الدین محمد	درس دهم
۷۷	شهدا خورشیدند	درس یازدهم
۸۱		آزمونک ۴

فصل ۵ راه زندگی

۸۳	دوستی / مشاوره	درس دوازدهم
۹۲	درس آزاد (۲)	درس سیزدهم
۹۵	راز زندگی	درس چهاردهم
۱۰۰		آزمونک ۵

فصل ۶ علم و عمل

۱۰۲	میوه ی هنر	درس پانزدهم
۱۰۸	آداب مطالعه	درس شانزدهم
۱۱۷	ستاره ی روشن	درس هفدهم
۱۲۳		آزمونک ۶



فصل ۱

معرفت کردگار + ستایش



بخش اول معنی واژگان کلیدی

افزاید: زیاد کند اندیشه کردن: تفکر کردن برافروخت: روشن کرد تاب: طاقت

خالق: آفریننده جوی: جستجو کن خلق: آفریده برکه: آبگیر

زار: ناتوان، ضعیف خداوندگار: خداوند، آفریننده سپاس داری: شکرگزاری

غنیمت: قدر دانستن، فرصت غفلت: بی خبری فیض: بخشش، عطا

گمراهی: به بیراهه رفتن موزون: دارای وزن و آهنگ قمری: اسم یک پرنده

ربیع: بهار معرفت: شناخت به علم و دانش مرغزار: چمنزار، سبزه زار

هوشیار: انسان دانا تعالی: بلندمرتبه تجلی: آشکار شدن، پیدا شدن

مشاجره: بگو مگو، بحث کردن فضل: بخشش گردون: آسمان حک: کندن

فروع: روشنایی، نور مخلوق: آفریده شده



گاهی شاعران برای زیباتر شدن شعر خود و رعایت وزن شعر، اجزای جمله را جابه‌جا می‌کنند. به این منظور،

فعل که در زبان فارسی در آخر جمله قرار دارد، در میان جمله و یا حتی در ابتدای آن به کار می‌رود. این کار به

آهنگین تر شدن شعر کمک می‌کند. مثال: باز به گردون رسید ناله‌ی هر مرغ زار

شعر چیست؟ شعر کلامی زیبا، مؤثر و غالباً موزون است که احساسات انسان را به حرکت درمی‌آورد.

بیت: کوچک‌ترین واحد کامل در شعر کهن فارسی است که دو مصراع را شامل می‌شود.

مصراع: هر بیت شامل دو قسمت است که هر یک از این بخش‌ها مصراع نام دارد. کمترین مقدار سخن موزون یک مصراع است.

بنام آنکه جان را فکرت آموخت چراغ دل به نور جان برافروخت

مصراع

مصراع

بیت

قافیه: به کلمه‌های هم‌هنگ که در هر مصراع می‌آید و در یک یا چند حرف مشترک هستند، قافیه می‌گویند.

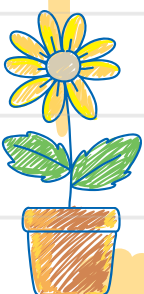
ردیف: کلمه یا کلمه‌هایی که در انتهای هر بیت یا پایان هر دو مصراع از یک بیت به یک شکل و معنی (از نظر املائی و

معنایی) تکرار می‌شوند.

ای مادر عزیز که جانم فدای تو قربان مهربانی و لطف و صفای تو

انسان برای این که بتواند با دیگران ارتباط برقرار کرده و مقصود خود را بیان کند، از «جمله» استفاده می‌کند. جمله

ممکن است یک یا چند کلمه به همراه فعل باشد، که به وسیله آن پیام خود را به شنونده یا خواننده منتقل کند.



خشنودی تو مایه‌ی خشنودی من است زیرا بود رضای خدا در رضای تو

معنی شادی و خوشحالی تو موجب شادی من است، چون خوشحالی و رضایت تو موجب خوشحالی خداوند می‌شود.

گر بود اختیار جهانی به دست من می‌ریختم تمام جهان را به پای تو

معنی (مادرم) اگر اختیار جهان در دست من بود، تمام دنیا را به‌عنوان قدرشناسی به پای تو می‌ریختم.

بخش چهارم دانش زبانی

هم‌خانواده: به کلمه‌هایی که از یک ریشه گرفته شده باشند و حروف اصلی آن‌ها پشت سرهم بیایند مانند:

(رابط-مربوط-ربط) هم‌خانواده می‌گویند در این کلمات (ر ب ط) ریشه و حروف اصلی کلمات هستند و پشت سرهم آمده‌اند.

نکته: اگر حرفی در بین آن‌ها قرار گیرد اشکالی ندارد مانند رابط

نکته: کلمه‌های هم‌خانواده از نظر معنی با یکدیگر در ارتباط هستند.

ترکیب وصفی و اضافی

هر گاه دو کلمه به وسیله (-) کسره به هم اضافه شوند، ترکیب می‌سازند.

دو نوع ترکیب داریم:

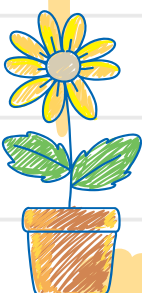
ترکیب وصفی  اسم + صفت دانش آموز نمونه، گل زیبا

اسم + ضمیر  کتاب من، کتاب او

ضمیر + ضمیر  خود من

اسم + اسم  مادر زهرا، ساعت معلم

ترکیب اضافی 



از خرمن صد گیاه، بهتر

یک دسته گل دماغ پرور

معنی: یک دسته گل خوشبو که بر جان انسان طراوت می‌بخشد، از توده‌ی انباشته‌شده‌ی صد گیاه بهتر است.



دانش زبانی

بخش چهارم

واژه‌های هم‌نویسه همان‌طور که از اسمشان پیداست، واژه‌هایی هستند که نوشتن یکسان دارند اما از نظر معنایی و تلفظ متفاوتند.

به‌عنوان مثال: مهر و مَهر - کُشتی و کِشتی - پَر و پُر - گِل و گُل

واژه‌های هم‌آوا به کلمه‌هایی گفته می‌شود که در تلفظ یکسان اند اما در نوشتار و معنی متفاوتند.

خوار: کم‌ارزش خار: تیغ گل

خوان: سفره خان: بزرگ

ثواب: پاداش اخروی صواب: درست

غازی: جنگجو قاضی: قضاوت کننده، داور

اساس: بنیاد و پایه اثاث: لوازم خانه

حیات: زندگی حیاط: زمین و محوطه

غزا: جنگ قضا: تقدیر الهی غذا: خوردنی

نکته: دانستن معنی کلمات هم‌آوا می‌تواند به مادر دست‌نویسی کمک بسیاری کند

در زبان فارسی، گاهی یک کلمه یک هجا یا بخش دارند و گاهی کلمه‌ها از چند بخش یا هجا تشکیل شده‌اند.



هفت خان رستم

بخش اول معنی واژگان کلیدی

جوشید: خشمگین شد

خروشید: فریاد زد، نعره کشید

خَم: پیچش، پیچ و تاپ

چاک چاک: پاره پاره، تکه تکه

تیغ: شمشیر

بیم: ترس

بر: پهلوی

نیایش: راز و نیاز عبادت کردن

خنجر: سلاح جنگی

تاخت: حمله کرد

دستگاه: قدرت، ثروت

دلیر: شجاع، دلاور

داور: قاضی

خان: مرحله

بند: اسارت

نیایش: راز و نیاز عبادت کردن

گردی: دلیری، پهلوانی

دادگر: عادل

سهمگین: ترسناک

اهریمن: شیطان

برانگیخت اسب را: به حرکت درآورد اسب را

کمند: بند طناب، ریسمانی که حلقه‌ای باشد

یال: موی گردن اسب

فرجام: پایان

تیمار: پرستاری

تلخیص: خلاصه کردن

می‌درد: پاره می‌کند

نخجیر: شکار



۳۶- صرف نشانه:

الف) نشانه مفعول: (را) نشانه ی مفعول است و کلمه یا گروهی که پیش از را می آید، نقش مفعولی پیدا می کند.

☆ **نکته:** روش شناسایی مفعول: مفعول در جواب چه کسی را و چه چیزی را می آید.

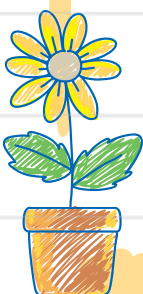
ب) منادا: کلمه ای را که نشانه های ندا (یا ا ی) با آن می آید، منادا می گویند.

کنایه

گاهی برای این که مؤثرتر و زیباتر منظور خود را بیان کنیم، عبارت ها یا جمله هایی را به کار می بریم که در ظاهر معنای دیگری دارند. کنایه یعنی پوشیده سخن گفتن یا بیان سخن به صورت غیرمستقیم. کنایه دو مفهوم دور و نزدیک دارد که مقصود گوینده، معنای دور آنست. به این نمونه توجه کنید: او فردی ناخن خشک بود. در ظاهر به نظر می رسد ما به شخصی اشاره می کنیم که ناخن های خشکی دارد، ولی در اصل هدف ما از به کار بردن این جمله، بیان خساست یک نفر است. حالا به جملات زیر دقت کنید:

در خانه ی او همیشه باز است. کنایه از بخشندگی و مهمان نوازی شخص است.

رخش به تنگ می آید. کنایه از خسته شدن و به ستوه آمدن است.



آزمونک (۳)

۶) نسبت صبر و تحمل مانند نسبت... و... است.

- الف) قهرمان و غرور
ب) غذا و دارو
ج) جاودانه و همیشگی
د) گذشت و رفت

۷) در کدام گزینه تشبیه وجود ندارد؟

- الف) ای وطن با وفایی همچو خاک
ب) ای وطن همچو آواز بلندی
ج) چو ایران نباشد تن من مباد
د) همچو رویش در بهاران

۸) شعر ای وطن سروده ی کیست؟

- الف) حسین گل گلاب
ب) فردوسی
ج) ایرج میرزا
د) نادر ابراهیمی

۹) کدام ترکیب، ترکیب وصفی است؟

- الف) قهرمان قصه‌ها
ب) شعر حافظ
ج) سبزی چمن
د) سربازان عاشق

۱۰) معنی کدام واژه درست نوشته نشده است؟

- الف) جان‌پناه: سنگر
ب) الکن: لیکن

ج) جان‌فشانی: فداکاری

د) مایه: منشأ



کارگاه شعر و ادب

دوبیتی:

شعری است مشتمل بر دو بیت که گاه مصراع سوم آن قافیه ندارد.

بیشتر، درون‌مایه عاشقانه و عارفانه دارد و رایج‌ترین قالب در میان روستاییان است.

باباطاهر از معروف‌ترین شاعران دوبیتی گو هستند. دوبیتی وزنی خاص دارد و از این نظر با رباعی متفاوت است.

قالب شعری دوبیتی از نظر تعداد ابیات و قافیه مانند رباعی است.

تفاوت دوبیتی با رباعی: دوبیتی با هجای (بخش) کوتاه شروع می‌شود. (اولین هجای مصراع اول)

(یک حرف + یک صدای کوتاه -) ولی رباعی با هجای (بخش) بلند آغاز می‌گردد. (اولین هجای مصراع اول)

(یک حرف + یک صدای بلند: آ، ای، او) و یا یک حرف + یک صدای کوتاه + یک حرف

انتشارات رات راد

عطار و جلال الدین محمد

بخش اول معنی واژگان کلیدی

بحر: دریا

برخیز: بلند شو

بر: میوه، نتیجه

بار: ثمر، میوه

بقا: جاوید بودن، جاودانگی

بدرقه: همراهی کردن میهمان یا مسافر هنگام رفتن

نسخه: جلد

تمسخر: مسخره کردن

بی بار: بی ثمر، بی میوه

سالم: سلیم

سرشناس: مشهور، نام آور

روانه کرد: فرستاد

زادگاه: محل تولد

خواست: اراده، خواست

علیم: دانا

شیخ: مرد بزرگ، مرد عالم

شگفتی: تعجب

کاروانسرا: مهمان خانه

ماشاءالله: آنچه خدا خواست

کش: که او را، که از او

اندک: کم

رونق داشتن: خوب بودن وضع کسب و کار



گاهی گویندگان یا نویسندگان در گفتار خود کلمه‌هایی به کار می‌برند که معنی مثبت و خوبی دارند اما چون از

روی طنز بیان می‌شود، در واقع معنی عکس و مخالف آن را می‌دهد. مولوی در حکایت خود آن مرد را سلیم و

علیم می‌خواند ولی در اصل معنی مخالف آن‌ها مورد نظر است. سلیم: سالم، بی‌عیب، ساده‌دل (در این حکایت

این کلمه به معنی نادان و ناسالم است.) علیم: بسیار دانا، عالم، اهل فضل و علم (در این حکایت این کلمه از روی

طنز بیان شده و به معنی بی‌خبر و نادان است.)

کارگاه شعر و ادب

یادآوری

مثنوی: قالب شعری است که هر بیت آن قافیه‌ای جداگانه دارد. نام دیگر مثنوی، دوگانی می‌باشد. واژه‌ی مثنوی از

کلمه‌ی مثنی به معنی دوتایی گرفته شده است.





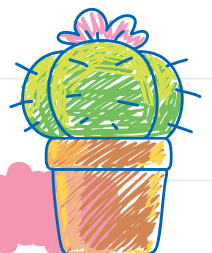








قالب شعر درخت علم مثنوی است.



تا جان او را نجات دهد.

- آن دم صبح قیامت تأثیر حلقه‌ی در، شد از او دامن گیر

معنی ◀ آن سحرگاهی که مانند قیامت شگفت‌انگیز بود و حلقه‌ی درخواست از رفتن حضرت علی (ع) به مسجد جلوگیری کند (از شهادت ایشان جلوگیری کند).

- دست در دامن مولا زد، در که علی بگذر و از ما مگذر

معنی ▶ حلقه‌ی در به لباس علی (ع) آویخته شد و انگار می‌گفت: ای علی، از رفتن صرف‌نظر کن و از مقابل من عبور نکن.

- شبروان مست ولای تو علی جان عالم به فدای تو علی

معنی ▶ ای علی، عارفان و شب‌زنده‌داران مست و شگفت‌زده از دوستی و ولایت تو هستند و جان همه عالم فدای تو باد.

دانش زبانی

بخش چهارم

هم‌آوایی در زبان فارسی

وقتی دو یا چند نوشتار دارای تلفظ مشابه باشند در دستور سنتی به این گونه کلمه‌ها «متشابه» گویند؛ مانند کاربرد

واو معدوله در کلمات زیر:

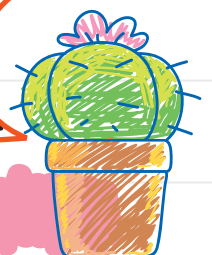
خیش (وسيله شخم زدن) - خویش (خود، خویشاوند)

خار (تیغ) - خوار (ذلیل)

خان (بزرگ) - خوان (سفره)

خاره (سنگ خارا) - خواره (خورنده)

خواستند (بلند شدن، برخاستن) - خواستن (طلبیدن)



اگر شد به معنای «رفت» «آمدن» و «رسیدن» باشد دیگر فعل ربطی نیست؛ مثل حسنگ به خانه شد.

زاهد خلوت‌نشین دوش به میخانه شد از سر پیمان گذشت، بر سر پیمانانه شد «حافظ»

اگر گشت و گردید معنای «جستجو کردن»، «چرخیدن» و «گردش کردن» بدهد دیگر فعل ربطی نیست؛ مثل: چرخ

به دور میله می‌گردد.

در اقصای عالم بگشتم بسی به سر بردم ایام با هر کسی «سعدی»

گاهی «آمدن»؛ «ماندن» در معنای «شدن» به کار می‌رود که در این صورت فعل ربطی به شمار می‌آید. مثل: چون اظبا

از معالجت او عاجز آمدند.

بخش پنجم پرسش‌های درس

۱- کلمه‌های هم‌خانواده را به هم وصل کنید. (در ستون ب یک کلمه اضافه است.)

ب

محسن

حاکم

کهنه

شفیق

پرسش

نیکو

الف

حکیم

پرسید

احسان

کهن

مشفق

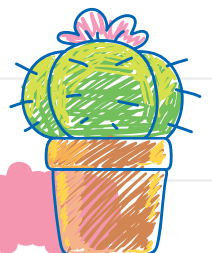
۲- متضاد کلمات زیر را بنویسید.

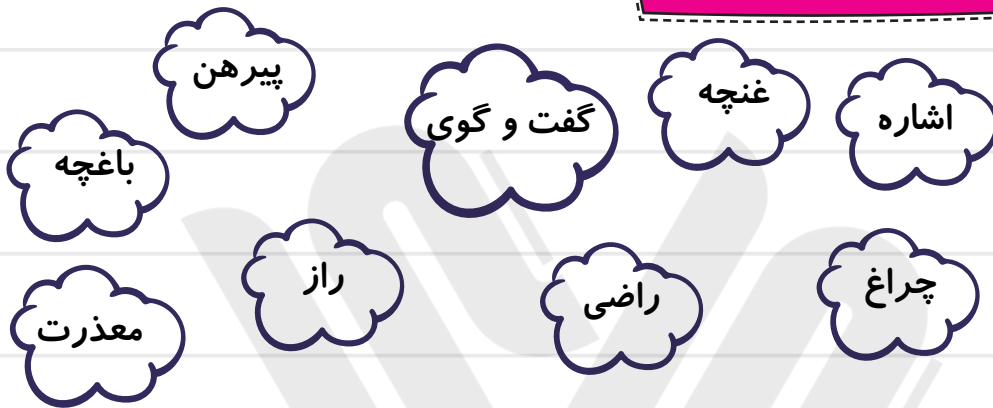
سازگاری

بهتر

یکدل

طلب





بخش سوم معنی شعر و عبارتهای مهم

– غنچه با دل گرفته، گفت: «زندگی لب ز خنده بستن است گوشه‌ای درون خود نشستن است.»

معنی ◀ غنچه با دل غمگین گفت: زندگی یعنی این که غمگین باشیم و نخندیم و گوشه‌ای ساکت و تنها بنشینیم.

– گل به خنده گفت: «زندگی، شکفتن است با زبان سبز، راز گفتن است.»

معنی ▶ گل با خنده جواب داد: زندگی یعنی شکوفا شوی و با طراوت و شادابی رازهای زندگی را بازگو کنی.

– من که فکر می‌کنم گل به راز زندگی اشاره کرده‌است هر چه باشد او گل است گل یکی دو پیرهن بیشتر ز

غنچه پاره کرده‌است.

معنی ▶ من فکر می‌کنم گل به درستی به راز زندگی اشاره کرده‌است زیرا او تجربه‌ی بیشتری نسبت به غنچه دارد.



بخش دوم واژگان مهم املائی



بخش سوم معنی شعر و عبارت‌های مهم

آن قصه شنیدید که در باغ، یکی روز از جور تبر زار بنالید سپیدار

معنی ▶ آیا این قصه را شنیده‌اید که روزی در باغی از ستم ضربه‌ی تبر، سپیدار ناله‌ی زار سر داد؟

کز من نه دگر بیخ و بنی ماند و نه شاخی از تیشه‌ی هیزم‌شکن و ارّه‌ی نجار

معنی ▶ درخت سپیدار در ناله‌هایش گفت: از ضربه‌های تیشه‌ی هیزم‌شکن و ارّه‌ی نجار، برای من نه ریشه و نه ساقه، باقی نمانده‌است.

گفتش تبر آهسته که جرم تو همین بس کاین موسوم حاصل بود و نیست تورا بار

معنی ▶ تبر آرام و آهسته به او گفت جرم تو این است که در فصل میوه، تو هیچ ثمره‌ای نداری.

تا شام نیفتاد صدای تبر از گوش شد توده در آن باغ، سحر، هیمه‌ی بسیار

معنی ▶ صدای ضربه‌های تبر که نشان‌دهنده خرد شدن درخت سپیدار بود، تا شب قطع نشد و هنگام سحر بود که از درخت سپیدار، توده‌ای هیزم جمع شده بود.





بخش سوم معنی شعر و عبارت‌های مهم

- بدان که قصه خواندن و شنیدن، فایده بسیار دارد.

معنی ▶ بدان که خواندن و شنیدن قصه‌ها و داستان‌ها، فایده‌های زیادی دارد.

- اول آن که از احوال گذشتگان خبردار شد.

معنی ▶ فایده اول این که از سرگذشت افراد پیش از خود آگاه می‌شویم.

- دویم آن که چون عجایب بشنود، نظر او به قدرت الهی، گشاده گردد.

معنی ▶ فایده دوم این که وقتی شگفتی‌های آفرینش را بشنویم (و بخوانیم) قدرت خداوند برای ما روشن می‌شود.





بخش سوم معنی شعر و عبارتهای مهم

چنان خواندم که چون بزرگ مهر حکیم، برادران را وصیت کرد که «در کتب خواندهام که آخرالزمان پیغامبری خواهد آمد، نام او محمد مصطفی(ص) اگر روزگار یابم نخست کسی من باشم که بدو گروم شما هم فرزندان خود را چنین وصیت کنید تا وارد بهشت شوید.

معنی ◀ این گونه خواندم که بزرگمهر دانشمند، به برادرانش توصیه کرد که: «در کتابها خواندهام که در پایان زمان، پیامبری خواهد آمد که نام او محمد مصطفی (ص) است. اگر من تا آخر زمان عمر کنم، اولین شخصی خواهم بود که به دین او گرایش پیدا می کند. شما هم به فرزندان خود این گونه توصیه و سفارش کنید تا وارد بهشت شوید.»

حکما و علما نزدیک وی می آمدند و می گفتند که ما را از علم خویش بهره دادی و هیچ چیز دریغ نداشتی تا دانا

شویم، ستاره‌ی روشن ما بودی که ما را راه راست نمودی، ما را یاری ده از علم خویش.

معنی ▶ دانشمندان و دانایان به پیش او می آمدند و می گفتند که ما را از علم و دانش خود

بهره‌مند کردی و هیچ چیز را برای ما کم نگذاشتی تا اینکه ما دانا شدیم.



آزمونک (۶)

گزینه‌ی صحیح را در هر سؤال انتخاب کنید.

۱- مترادف کدام کلمه درست نوشته شده است؟

الف) فرجام: آغاز (ب) بیخ و بن: تمام (ج) ادبار: بدبختی (د) توده شد: آماده شد

۲- در بیت زیر کدام کلمه‌ها قید هستند؟

«آن قصه شنیدید که در باغ یکی روز از جور تبر زار بنالید سپیدار»

الف) آن قصه-زار-یکی روز (ب) در باغ-یکی روز-زار

ج) در باغ-از جور تبر-زار (د) یکی روز-آن قصه-سپیدار

۳- در مصراع «خندید برو شعله، که از دست که نالی» نهاد کدام است؟

الف) که از دست که نالی (ب) شعله (ج) خندید (د) نالی

۴- در بیت «دهقان چو تنور خود از این هیمة برافروخت بگریست سپیدار و چنین گفت دگر بار» چه آرایه‌ی ادبی

وجود دارد؟

الف) شخصیت بخشی (ب) مبالغه (ج) تشبیه (د) کنایه

۵- رابطه‌ی کلمه‌ها در کدام گزینه مثل بقیه نیست؟

الف) شکوه و شوکت (ب) فراز و فرود (ج) طلب و طالب (د) عظیم و عظمت

۶- کدام کلمه جمع است؟

الف) معلول (ب) ملال (ج) اعتدال (د) ملل

